

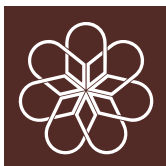
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله عالی



تا گام به مرحله عالی «من انسانی» گذاشته نشود، سایه حیات از هدف حیات تشخیص داده نخواهد شد.

... پس بیایید فلسفه حیات و هدف آن را که مطابق مشیت الهی در پهنه هستی به جریان افتاده است، از کسانی بپرسیم که نبض حیات واقعی آنها در پیکر هستی حرکت می‌کند، نه از مرده‌های زنده‌نما که در سایه جنازه‌های خود می‌چینند. آن بزرگواران، کسانی هستند که در اولین لحظه که سؤال از فلسفه و هدف حیات را به آنان عرضه می‌کنید، با خوشرویی تمام که خاصیت حیات است، از شما می‌پرسند: به ما بگویید شما تا چه مرحله از تفکیک سایه از هدف رسیده‌اید؟



فلسفه و هدف زندگی

محمدتقی جعفری



مؤسسه تیرنیر نشر و نشر آثار علامه جعفری

Muhammad Taghi Ja'fari

فلسفه و هدف زندگی

نویسنده: محمدتقی جعفری

سرشناسه: جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۰۲-۱۳۷۷.
عنوان و نام پدیدآور: فلسفه و هدف زندگی / محمدتقی جعفری -
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری،
۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری: ۱۳۲ ص. ۱۲۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۶۴-۶۶۰۸-۰۹-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
The Philosophy and Aim of Life

کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع: زندگی - فلسفه

شناسه افزوده: الف. مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری. ب.
عنوان

رده بندی کنگره: ۸ ف ۷ ج / ۴۳۱ BD / ۸ / ۱۱۳
شماره کتاب شناسی ملی: ۷۹-۷۳۶۵ م

چاپ: چاپ و طرح امروز
چاپ دهم: تابستان ۱۳۹۶
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۶۰۸-۰۹-۲-۹۷۸
قیمت: ۱۲۰،۰۰۰ ریال

تطبیق و تصحیح: علی جعفری،
میترا رفیع زاده، ساره شاهسون
تدوین و تنظیم: عبدالله نصری
(استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی)
طراح جلد: سعید عجمی
خطاط: محمدعلی قربانی

تهران / فلکه دوم صادقیه
بلوار کاشانی / خیابان حسن آباد
کوچه ۴ / پلاک ۲۲ / طبقه دوم

تلفن: ۰۲۱-۴۴۰۹۱۰۴۲ / ۴۴۰۵۴۵۳
نمابر: ۰۲۱-۴۴۰۷۰۲۰۰

کلیه حقوق نشر مکتوب
و الکترونیکی برای این مؤسسه
محفوظ است.

WWW.ostad-jafari.com

Info@ostad-jafari.com

نمایه مطالب

- پیشگفتار ۹
- فصل ۱: فلسفه و هدف زندگی ۱۱
- مختصات روانی پوچ‌گرایی ۱۳
- مختصات احساس پوچی ۱۴
- مطلب یکم - هدف چیست؟ ۱۶
- مطلب دوم - زندگی چیست؟ ۱۷
- فصل ۲: انواع انگیزه‌های پرش از هدف زندگی ۲۱
- نوع یکم - زمینه منفی حیات ۲۱
- نوع دوم - زمینه مثبت حیات ۲۱
- نوع سوم - زمینه‌های عارضی و ثانوی حیات ۲۱
- نوع چهارم - زمینه بی‌طرف و احساس لزوم و نظاره کلی بر حیات و جستجوی هدف آن ۲۱
- نوع یکم - زمینه منفی حیات ۲۳
- نوع دوم - زمینه مثبت حیات ۲۴
- نوع سوم - زمینه‌های عارضی و ثانوی حیات ۲۶
- نوع چهارم - زمینه بی‌طرف و احساس لزوم و نظاره کلی بر حیات و جستجوی هدف آن ۴۰
- فصل ۳: نظری اجمالی به فلسفه و هدف حیات در گذرگاه تاریخ تفکرات بشری ... ۵۳
- تحقیق اجمالی درباره مقاله یادداشت‌ها و نوشته‌های فلسفی ۵۸

فصل ۴: سه مقدمه برای بررسی هدف زندگی از دیدگاه مذهب.....	۶۹
مقدمه اول - نادرستی سؤال از هدف پس از وصول به	۶۹
مقدمه دوم - ریشه عینی حیات واقعی در مجموعه	۷۱
مقدمه سوم - ریشه درونی حیات واقعی	۷۳
شرحی درباره ماورای طبیعت.....	۷۶
فصل ۵: حیات در افق قرآن	۷۹
جنبه‌های مختلف حیات از دیدگاه قرآن	۸۰
شرحی مختصر درباره آیه: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ	۹۳
مطلب یکم - آیا مقصود از عبادت، تنها حرکات و سکنتات و سخن‌های محدود به هنگام برقرار ساختن رابطه با خداست؟.....	۹۳
الف) جنبه طبیعی خالص	۹۵
ب) جنبه ماورای طبیعی موجود	۹۵
مطلب دوم - آیا دوزخ معبد گنهکاران است؟.....	۹۷
مطلب سوم - کتاب را بخوانید و آن را	۹۷
هدف هستی موجود انعطاف‌پذیر در مقابل همه پستی‌ها چیست؟.....	۹۹
معنای «عبادت هدف زندگی انسان است»، چیست؟.....	۱۰۰
اگر همه انسان‌ها موفق به چنین عبادتی شدند، سپس چه؟.....	۱۰۲
فصل ۶: بررسی دو موضوع مهم.....	۱۰۵
پیمودن مسیر ایده‌آل زندگی و نبالیدن به خود.....	۱۰۵
موضوع یکم - خودکم‌بینی	۱۰۵
موضوع دوم - خودبزرگ‌بینی	۱۰۸

نمایه مطالب ۷

فصل ۷: ارکان، ویژگی‌ها و مختصات زندگی هدفدار.....	۱۱۳
۱- تعهد برین	۱۱۳
۲- شناخت ارزش حیات.....	۱۱۴
۳- برخورداری از روشنایی و سعادت.....	۱۱۴
۴- جدی گرفتن جهان هستی.....	۱۱۶
۵- به دست آوردن آزادی برین	۱۱۷
۶- آزاد ساختن انسان از مطلق تراشی‌ها.....	۱۱۷
نمایه آیات	۱۲۱
نمایه روایات.....	۱۲۵
نمایه نام‌ها.....	۱۲۷
نمایه کتاب‌ها.....	۱۲۹



پیشگفتار

واقع این است که زندگی از تعریف شروع می‌شود و در تعریف زندگی نیز پایان می‌یابد. هم از این‌روست که تعداد تعاریف به عمل آمده از زندگی، بی‌نهایت است و در یک کلام: به تعداد زندگی‌ها، تعریف از زندگی وجود دارد و تعریف هر فرد از زندگی هرگز به یک تعریف محدود نمی‌شود، بلکه با عروض هر موضوع جدید و با پدید آمدن هر حادثه منفی و مثبت و کوچک و بزرگ، تعریف یادشده متنوع و متعدد می‌شود. لذا، به سهولت می‌توان ادعا کرد: نگاه‌هایی که به زندگی افکنده می‌شود و تلقی‌هایی که درباره آن صورت می‌گیرد، اساساً شمارش‌پذیر است. چه، بسته به شرایط و مقتضیات و حالات درونی و برونی، تنها یک فرد می‌تواند بیش از ده‌ها تعریف از زندگی ارائه کند. اختلاف در نحوه زندگی‌ها درست از همین نقطه خود را نشان داده و وارد حیات می‌شود.

بدان جهت که زندگی ملتقای «انسان» و «حیات» است، لذا هر انسانی حق زندگی دارد. این حق، از حقوق اولیه حیات است. بی‌جهت نیست که شاید به آسانی بتوان گفت: زندگی قلّه و رأس مثلثی است که یک ضلع آن انسان و ضلع دیگر آن را «هستی» شکل می‌دهد. در این میان، از زندگی می‌توان به عنوان نتیجه انسان و هستی یاد کرد. به عبارتی دیگر: زندگی آب روانی است که از انسان سرچشمه می‌گیرد و در هستی جریان پیدا می‌کند.

با این تحلیل، حقیقتی مهم خود را نشان می‌دهد و آن این است که: اگر در

گوشه‌ای از مجموعه انسان و حیات، عارضه‌ای رخ دهد، بلافاصله «زندگی» را تحت تأثیر قرار داده و در اصل آن تغییر ایجاد خواهد کرد. دیگر اینکه: زندگی ابعاد گسترده‌ای دارد که گستردگی خود را وامدار گستردگی حقایقی است که برآیند آنها محسوب می‌شود.

آری، به همان اندازه که انسان شگفت‌افزاست و به همان اندازه که هستی در راز و عظمت و ناپیدایی غوطه‌ور است، به همان اندازه، زندگی پر از عناصر ناشناخته و ناگفته است؛ تا جایی که می‌توان ادعای مجهول بودن و مجهول ماندن آن را تکرار کرد. اینکه در هر عصری نگاه و تعریف و تحدید قلمرو زندگی از سوی متفکران، فیلسوفان، هنرمندان و دانشمندان علوم مختلف تجدید می‌شود، امری طبیعی است و از ذات زندگی نشأت می‌گیرد. هم‌چنین است نحوه نگاه‌ها.

هیچ یک از نگاه‌های عادی، عقلی، عمیق، عرفانی، معنادار، شاعرانه، پوچ‌گرایانه و غیر آن، از بیرون زندگی به زندگی افکنده نمی‌شود، بلکه هر یک از اینها همانند چشمی است که به خود می‌نگرد و این یکی از خصوصیت‌های همیشگی زندگی است که هرگز از خود نمی‌گذرد و هرگز از خود تهی نمی‌شود و هرگز نمی‌تواند بدون فلسفه و هدف ادامه پیدا کند؛ حقیقتی که در این کتاب با تعریف هدف و زندگی آغاز شده و با انواع انگیزه‌های پرسش از زندگی ادامه پیدا کرده است.

آری، تحقیق و تصفیة هر سؤال، مانند زدودن گرد و غبار از روی پاسخ آن سؤال است.

فصل ۱

فلسفه و هدف زندگی

به یک معنا، پرسش از فلسفه و هدف حیات به هیچ وجه تازگی ندارد و از دوران قدیم در هر جامعه‌ای، بسیاری از افراد با شکل‌های گوناگون این موضوع را پیگیری، و با عقاید و اعمالی که از آن دوران به یادگار مانده است، پاسخی قانع‌کننده درباره آن فراهم کرده‌اند.

اگرچه سؤال صریح و مستقیم درباره فلسفه و هدف حیات قبل از سه قرن اخیر، آن‌چنان شیوع و رواج نداشته است که امروز به عنوان یک مسئله روز جلوه‌ای داشته باشد، ولی انسان‌ها به کنایه و غیر مستقیم، با فدا کردن هستی خویش در راه ایدئولوژی‌ها، به خوبی نشان داده‌اند که سؤال مزبور با مطرح کردن مجموع کلی حیات برای آنان مهم تلقی شده است.^۱

۱- افلاطون می‌گوید: «کسی که نمی‌داند از کجا آمده است و به کجا می‌رود و چیست آن هدف اعلای زندگی که باید خود را برای وصول به آن به تکاپو بیندازد، منکر خویشتن است». ارسطو، سیاست، ترجمه بارتلمی سانتیهیلر از یونانی به فرانسه، و از فرانسه به عربی، احمد لطفی السید، ص ۲۰.

تبصره: بخشی از مباحث این رساله به صورت خلاصه در جلد هفتم تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی مطرح شده است، اما بنا به تقاضای دانش‌پژوهان محترم، لازم بود که آن مباحث با شرح و تفصیل بیشتر و اضافات ضروری، بررسی و به صورت مستقل چاپ شود. از این‌رو، این رساله با تجدید نظر کلی در اختیار خوانندگان محترم قرار می‌گیرد.

به طور کلی می‌توان گفت: در گذرگاه تاریخ، هر فرد هشیار که در پهنه تلاقی خطوط ماده و حیات حتی برای لحظاتی اندک توانسته باشد «من» خود را از غوطه‌ور شدن در شادی و اندوه و کشش‌های ضروری حیات بالاتر بکشد و حیات را برای خود برنهد، سؤال از هدف و فلسفه زندگی برای او مطرح شده است.

کوشش‌های درخشان فلاسفه یونان و اندیشمندان روم و همه بانیان مذاهب بزرگ درباره توجیه و تفسیر حیات آدمی، خود، دلیل بارزی است که می‌تواند تعمق آنان را در فلسفه و هدف حیات اثبات کند. کسانی که از سرگذشت ایده‌ها و عقاید کلی درباره هستی اطلاع کافی دارند، می‌دانند که بروز آنها یکی از نتایج مطرح کردن «خود» به عنوان جزئی از هستی است؛ به ویژه این سؤال حیاتی در فرهنگ اسلامی به وسیله پیشتازان آنها، چه در مقام پاسخگویی به این سؤال و چه به طور مستقل، دیده می‌شود. چنان که در مسائل آینده خواهیم دید، قرآن در حدود صد مورد درباره حیات، تشبیه، تفسیر، توجیه و بیان هدف آن تذکر داده است.

بنا بر این ملاحظات، سؤال از فلسفه و هدف حیات از نظر تاریخی مساوی با تاریخ هشیاری آدمیان است.

پاسخ‌هایی که در آن دوران به سؤال از هدف زندگی داده می‌شد، متین و باشکوه و موقرانه بود، زیرا جهان هستی برای آنها عظمت و شکوه و جلالی داشت که آنان را به احتیاط در بحث وادار می‌کرد؛ در صورتی که در دوران اخیر، به علت آشکار شدن برخی از رموز طبیعت و پیشرفت‌های چشمگیر، یا به عبارت شایسته‌تر: به علت گسترش روابط انسان با طبیعت، به غلط چنین گمان رفته است که هستی دارای آن ابهت و عظمت نیست.

بنا بر این، سؤال مزبور با اینکه جدی است، سبک‌تر و پاسخ به آن، بی‌اهمیت‌تر مطرح می‌گردد و در مقابل، پاسخ‌هایی که به آن داده می‌شود، عامیانه‌تر است و از دیدگاه‌هایی محدودتر ناشی می‌شود؛ گویی مردم دوران ما درصدد برآمده‌اند تا فلسفه و هدف حیات را مانند فلسفه و هدف محسوس آب خوردن به هنگام تشنگی بفهمند!

نکته دوم که موجب افزایش و شیوع این سؤال شده، دگرگونی چهره حیات به وسیله غوطه‌ور شدن در عریده‌های ناخودآگاه ماشین است که از اواخر قرن هجدهم به بعد، گسترش و افزایش یافته است.^۱

در نتیجه، متفکران‌هایی که یا بیماری روانی، آنها را شکنجه می‌داد و یا برای ارضای حس شهرت‌پرستی، زمینه مناسبی برای خود می‌دیدند، به جای اینکه در جهت برداشتن سنگی که روی منبع حیات آدمیان افتاده است، بکوشند، فریاد برآوردند: «منبع آب ندارد و یا آب منبع تمام شده است»، و سپس پوچی حیات را نتیجه گرفتند!

اکنون که می‌خواهیم یک بررسی لازم درباره هدفمند بودن زندگی داشته باشیم، باید معنای پوچی حیات و مختصات آن را به طور خلاصه از نظر بگذرانیم.

مختصات روانی پوچ‌گرایی

برای شناخت چگونگی احساس پوچی زندگی، نخست مختصات روانی انسان پوچ‌گرا را بررسی می‌کنیم.

۱- در حقیقت، بانگ «فلسفه زندگی چیست»، بیشتر به ناله انسان‌های فشرده‌شده در آهن‌پاره‌های عصر ماشینیزم شباهت دارد تا پرسش حکیمانه‌ای که پاسخی حکیمانه به دنبال داشته باشد.

مختصات احساس پوچی

ما حقیقت و نمود این مختصات را نمی‌توانیم مانند یک پدیده فیزیکی محسوس توصیف کنیم، زیرا هیچ یک از نمودها و فعالیت‌های روانی، از دیدگاه فیزیکی قابل توصیف نیستند. بر این اساس، روان‌شناسان و روان‌پزشکان مجبور می‌شوند برای توضیح کافی درباره پدیده‌ها و فعالیت‌های روانی، به تشبیهات حسی دست بزنند.

۱- اساسی‌ترین ویژگی پوچ‌گرایی، دگرگون شدن احساس حیات طبیعی^۱ است که نه تنها حیات را از جوشش خود می‌اندازد، بلکه در عین حال، آن را یک ضرورت نفرت‌انگیز در نظر انسان جلوه می‌دهد؛ مانند اجباری که نوشیدن آب گل‌آلود را برای انسانی تشنه، ارزشمند می‌کند.

۲- درهم پاشیدگی واقعیات و قوانین و روابط حاکم بر آن واقعیات که در روان پوچ‌گرایان صورت می‌گیرد. از دریچه چشم یک زنده‌بی‌هدف، ۲+۲ قابل انعطاف به ۸+۱۱ است و زیبایی‌ها و زشتی‌ها بی‌اساس‌اند و بایستگی‌ها و شایستگی‌ها، واقعیتی جدی‌تر از خیالات ندارند؛ نه متغیرات برای او مفهوم دارند و نه ثابت‌ها.

۳- همواره موقعیت‌های لحظه‌ای است که روان انسان پوچ‌گرا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با سپری شدن همان لحظه، یکی از دو راه پیش روی اوست: یا می‌اندیشد و نتیجه‌ای جز شوراندن واحدهای ناراحت‌کننده درونی نمی‌بیند، و یا با کوششی بسیار، خود را از هشیاری و احساس «من»

۱- حیات طبیعی، حیاتی است که پدیده‌های معمولی زندگی طبیعی، آن را ارائه می‌دهد، مانند: احساس، حرکت، اراده، تفکر، تولد و تناسل، خودسازماندهی، جلب عوامل لذت و دفع عوامل ضرر، تا آنجا که ممکن باشد.

رها می‌سازد:

می‌گیرند از خودی در بی‌خودی یا به مستی یا به شغل ای مهتدی^۱

۴- سقوط ارزش‌ها و آمیخته شدن عظمت‌ها و پستی‌ها، دامنگیر روان‌های پوچ‌گرا می‌شود.

به وجود آمدن مختصات چهارگانه در درون پوچ‌گرایان، جریانی منطقی است که معلول ناتوانی آنان از تفسیر حیات و قوانین آن است. دچار شدن بسیاری از انسان‌ها در هر دوره و جامعه‌ای به این بیماری، اگرچه ناگوار است، ولی ناگوارتر و شگفت‌آورتر از آن، این است که این بیماری را به شکل فلسفه و مکتب عرضه می‌کنند!

برای هواخواهان این‌گونه جهان‌بینی که حیات واقعی خود را، چه در راه به دست آوردن شهرت و چه به علت خودباختگی واقعی از دست داده بودند، حیات کلی آدمیان، پوچ جلوه کرد. آنان هیاهویی در این باره به راه انداختند و از آب گل‌آلود جوامع، ماهی‌ها بیرون کشیدند و حقیقت را به دست نیستی و نابودی سپردند. عناصر تشکیل‌دهنده مسئله هدف زندگی از نظر خود انسان‌های جوینده هدف، مختلف است و هر کسی برخی از واحدهای روشن این عناصر (واقعیات) را برای خود مطرح می‌سازد و هدف زندگی را در آنها می‌جوید. مثلاً، یک ماهیگیر معمولی، فلسفه حیات را در فلسفه ماهیگیری جستجو می‌کند.

حال، برای توضیح هدف زندگی، دو مطلب را بررسی می‌کنیم:

۱- مثنوی معنوی، دفتر ششم.

مطلب یکم - هدف چیست؟

هدف عبارت است از: حقیقتی مورد نظر که آگاهی و اشتیاق به دست آوردن آن، محرک انسان به سوی انجام دادنِ حرکاتی معین است که آن حقیقت را قابل وصول می‌سازد. هر هدف چهار جنبه دارد:

الف) جنبهٔ درون ذاتی، که مربوط به یکی از جهات ملایم با طبیعت انسانی است و مورد آگاهی و اشتیاق او قرار می‌گیرد.

ب) جنبهٔ برون ذاتی، که وجود واقعی هدف است و وصول به آن، مطلوب آدمی است. کار و حرکات یک انسان هدفدار در میان این دو جنبه صورت می‌گیرد. یعنی هر کار هدفدار، از آگاهی و اشتیاق به هدف آغاز می‌شود و پس از انجام کارهای مربوط، در وصول به هدف واقعی که بیرون از ذات انسانی وجود دارد، پایان می‌پذیرد.

البته این مسئله هم مورد توجه است که هر سه مرحلهٔ کار هدفدار (آگاهی و اشتیاق به هدف، انجام کارهای مربوط، تحقق یافتن هدف و وصول به آن) از نظر عوامل و شرایط مادی و روحی، اموری کاملاً نسبی‌اند و محدود به مقتضیات و انگیزه‌هایی که پیرامون هر کار هدفدار را فرا گرفته است.^۱

در جملات بالا به این مسئله اشاره کردیم که هر کار هدفدار، میان دو جنبهٔ برون ذاتی و درون ذاتی هدف قرار می‌گیرد.

۱- فرض می‌کنیم هدف عبارت است از: رشد اجتماعی؛ این هدف، هم از نظر ماهیت، نسبی است، زیرا رشد اجتماعی انواع و کمیت‌هایی مختلف دارد، و هم از نظر افراد تشکیل‌دهندهٔ جامعه که بنا به داشتنِ موقعیت‌ها و خواسته‌های معین، با دیدگاه‌های گوناگون به هدف مزبور می‌نگرند. هم‌چنین است نسبی بودن کار، هم از نظر انواع و کمیت‌های آن و هم از نظر افراد و زمان و ...

ج) هدف در همه موارد، حقیقتی خارج از موقعیت فعلی انسان است که شیئی مفروض را برای خویشتن هدف قرار داده است.

د) دو جنبه جبری و اختیاری بودن وصول به هدف؛ این جنبه دو قسم دارد:

* هدف مورد نظر در خارج از موقعیت فعلی انسانی، از یک جهت در مجرای قوانین طبیعی یا اعمال دیگر انسان‌ها قرار گرفته که خارج از اختیار آدمی است، مانند فرا رسیدن فصل معین برای بارور شدن درختان و عملی شدن قراردادهایی که با انسان‌های دیگر برای وصول به هدف مزبور ضرورت دارد.

* به دست آوردن همان هدف در زمان معین؛ مثلاً، بدون رسیدگی‌های مناسب به درختان که در اختیار باغبان است، عملی نخواهد شد. پس هر هدفی، جنبه جبری و جنبه اختیاری دارد. باید در نظر داشت که قرار گرفتن یک شیء به عنوان هدف برای انسان، از جنبه اختیاری انسان است، نه از جنبه جبری او. نتیجه این تقسیم را در مباحث آینده در پاسخگویی به هدف زندگی مطرح خواهیم کرد.

مطلب دوم - زندگی چیست؟

برای توضیح معنای زندگی، عینک‌هایی گوناگون لازم است تا بتوان به کمک آنها به این پدیده بدیهی‌تر از همه چیز، و تاریک‌تر از همه پدیده‌ها توجه کرد. ممکن است گفته شود: چرا این پدیده بدیهی را مورد کاوش قرار داده‌اید؟ در پاسخ می‌توان گفت: چون بحث ما هدف زندگی است، بنا بر این، شناخت هدف زندگی به بررسی اجمالی خود زندگی نیازمند است. بدون این بررسی، ادامه زندگی ارزش ندارد؛ چنان که سقراط گفته است:

زندگی بررسی نشده، ارزش زیستن ندارد.^۱

در این مقدمه، نظری به تفسیرهای گوناگون بیولوژیکی، فیزیولوژیکی و فلسفی حیات نداریم. برای موضوع سؤال ما (فلسفه و هدف زندگی)، همان جنبه بدیهی حیات کفایت می‌کند که عبارت است از: دارا بودن انسان پدیده‌ای را که به وسیله آن حرکت می‌کند، احساس دارد، لذت می‌برد، درد می‌کشد، دانایی به دست می‌آورد، غرایزی دارد، در جستجوی کمال است، عضوی از اجتماع می‌شود، حرکات جبری و آزادانه دارد و ...

البته مسلم است که این امور، زندگی را به طور همه‌جانبه برای ما توضیح نمی‌دهد، ولی کسانی که سؤال از هدف زندگی برایشان مطرح است، زمینه زندگی را با این امور منظور نموده، و مسئله مورد بحث را مطرح می‌کنند.

این مسئله را فراموش نمی‌کنیم که کیفیت سؤال از هدف و انگیزه آن، با چگونگی تفسیر زندگی رابطه مستقیم دارد. مثلاً، سؤالی که برای یک رادمرد باعظمت در فلسفه زندگی مطرح می‌شود، غیر از سؤالی است که برای یک آدم فرومایه و تبهکار مطرح می‌گردد.

از این روست که می‌گوییم: **تحقیق و تصفیة هر سؤال، مانند پاک کردن گرد و غبار از روی پاسخ آن سؤال است.**

سؤالی که برای یک فرد یا یک جامعه مطرح می‌شود، به هنگام گم شدن راه به سوی مقصدها، به منزله علامت «ایست» است که در مقابل دیدگان آدمی نمایان می‌شود. سطحی بودن و عمیق بودن یک سؤال، رابطه

1- Philosophy made simple, By R.H. Popkin, A Stroll, 1956, New York.